



حجت الاسلام مظفر سالاری متولد ۱۳۴۱ شهر یزد است، این نویسنده روحانی از کودکی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعالیت داشته است، خودش می گوید از دوم دبستان که با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آشنا شد عشق به ادبیات هم در وجودش روشن و باعث شد دوست داشته باشد، روزی بنویسد اما بعد از این که دیپلم گرفت و وارد حوزه علمی شد، همکاریش با نشریات کودک و نوجوان جدی تر شد.

سالاری یادآوری می کند: هر زمانی خود یک داستانی دارد و کتاب دعبل و زلفا از این قاعده مستثنی نیست، زمانی از سوی دانشکده دارالحدیث در قم به بنده سفارش داده شد تا یک مجموعه داستانی را جمع به حضرت امام رضا علیه السلام بنویسم؛ چهار نفر از نویسندگان قم را جمع کرده و مجموعه داستانی در این خصوص نگاشته شد که اسم «آن مینوی نگاه تو» است که یکی از داستان های این کتاب با اسم آستین در خصوص دعبل خزائی شاعر اهل بیت است و بعد این داستان تبدیل به یکی از فصل های رمان «دعبل و زلفا» شد.

نویسنده رمان «دعبل و زلفا» می گوید: اخیرا که بنده به حرم مطهر رضوی مشرف شدم، این کتاب را در نزدیکی مقبره شیخ بهایی در یک ایستگاه مطالعاتی دیدم که به نظر حرکت ارزشمندی است.

او ادامه می دهد: چند سال گذشته از طرف آستان قدس از بنده دعوت شد و خواستند تا زمانی بر اساس داستان آستین برای آن ها بنویسم و در آن جا بود که پذیرفتم و نگارش آن را آغاز کردم. پس از پذیرفتن قرارداد، بنده زندگی دعبل و تمام اسناد و مدارک تاریخی مربوط به ایشان را مطالعه نمودم و آن جا بود که طرح رمان دعبل و زلفا به دست آمد و داستان آستین نیز با تغییراتی فصل آخر این رمان قرار گرفت.

نوشتن «دعبل و زلفا» یک سال طول کشید

وی اضافه می کند: از ابتدای آشنایی دعبل با همسرش این رمان شروع شده است و سه شخصیت اصلی آن از صحنه اول در داستان حضور دارند و تا انتهای رمان نیز این سه شخصیت همچنان هستند و یک مثلث تضاد ایجاد شد که در آن دعبل یک رقیب عشقی دارد که دلبسته زلفا است که تا انتهای رمان حضور دارد.

سالاری خاطر نشان می کند: چاشنی عشقی که در رمان وجود دارد آن را جذاب تر کرده و تعلیق و انتظار آفرینی این رمان سبب شده است تا خوانندگان با علاقه آن را مطالعه کنند. وی ادامه می دهد: نگارش کتاب دعبل و زلفا یک سال طول کشید و بنده امتیاز این رمان را به آستان قدس رضوی تقدیم کرده ام. به علت علاقه ای که به اهل بیت علیهم السلام دارم تصمیم گرفتم این رمان را بنویسم و به برای آنان سنگ تمام گذاشتم.

داستان عاشقانه ای از شاعری به نام دعبل خزائی

این کتاب داستان عاشقانه ای است از شاعری به نام دعبل خزائی که در زمان خلافت عباسیان زندگی می کرده است. دعبل در سفری به سوی بغداد با کاروانی از اسیران زن مواجه می شود که برای کنیزی به دربار حکومت برده می شوند و در میان آن ها دختری است بسیار زیبا و رو عقیف که شجاعت و ظلم ستیزی اش در مقابل مأموران ظالم، دعبل را شیفته و واله خود می کند.

شاعر جوان با دیدن دختر اسیر که نامش زلفا است، به دنبال رسیدن به او است و بعد از ملاقاتش با وی که بارنج و زحمت بسیار فراهم شده، علاقه فراوان دختر به اهل بیت «علیهم السلام» را متوجه می شود. حجت الاسلام سالاری درباره «دعبل و زلفا» می گوید: در این رمان مقطع خوبی از تاریخ انتخاب شده و مسائل اجتماعی و سیاسی دوره علی بن موسی الرضا (ع) تا حدی که امکان بررسی در رمان داشته، مورد تحلیل قرار گرفته است...

این کتاب زمانی با چاشنی عشق و عاشقانه ای است که باعث آشنایی با یک سری مسائل مربوط به آن زمان می شود، مسائلی که احساس می کنیم هنوز هم وجود دارد و از همین حیث کتاب، اثری سازنده است.

نگارش «دعبل و زلفا» به واسطه علاقه نویسنده به ائمه اطهار

وی خاطر نشان می کند: به علت علاقه زیاد به اهل بیت (ع) تصمیم گرفتم این رمان را بنویسم.

«دعبل و زلفا»
داستان عاشقانه ای است از
شاعری به نام دعبل خزائی که در زمان
خلافت عباسیان زندگی
می کرده است